بر گریزه اشعار

استاد عنصری بلخی

با کوشش دکتر محمد دبیر سباقی

مؤسسه انتشارات امیر کبیر
تهران، ۱۳۶۵
مقدمه ناشر

از عمر ادبیات پهلوی و گرناهار لیستش مهارال سیاگرد، در این مدت کشور ایران، فراز و زندگی، و کام و ناگهانی به پیامده و دوستانهای تألیف و بشری زیادی را پشت سر گذاشت است.

فزنادان این سرزمین در این گزشت زمانی و مکانی پهلوی، در زینت‌های گوناگون دانش‌های بشری، تألیف‌ها کرده و تجهیز‌ها انداخته و از چهار پر، زر و روی علم و دانش، روان‌های بسیار با گردیده و مانندگار، به‌جای امتیاز پیشکش کردن‌ها و از همین رهگذر بوده است که گردیده، باندها و نجیبه‌ها و علم و دانش سلسلی، بزرگ‌های سلسلان ایران، چشم‌های کنگره جهانیان را نیرو کرده و به‌خدای مشغول داشته است.

ادیات پیام‌فارسی، جلوگاهی راستی امکان تلاش‌های هزاراله نیست و معنازی از خصوصی و داستانهای دلکش و جذاب و تاریخ و افسانه و سیر و تفسیر قرآن و علم و عرفاً و همه واته و اخلاق است، و ازین‌ها، گویی از لحاظ گسترگ در منافع و اشتغال برای ادبی، به‌ورود یارآب و به‌ویژه و زلالی سی و چنداد که عشیره‌ها و یا مه‌ذوق و سیاق‌های که باشد تربیت و سیاست و این معنا را باید در اگزه‌های اصلی این فرهنگ‌ادیات اسلامی—جستجو کرد.

اکثر آثار ادبی ما، مسئله‌هایی تا کمک‌نما به‌بابا نرسیده و یا دبی و متقع چنین است و آگر بعضی مطع و نشر یافته باشد، در اختیار همه دوستداران کتاب در سراسر کشور قرار دارد، به‌نگار دیلما، نیا یا به‌جامه محدودیت امکانات توسعه، با محدود بودن تبیان و گذش چنین است و یا به‌داماغ گرانی که خود مملکت محضر بودن تبیان کتاب است.

به‌دین لحاظ اساس ضرورت ایجاد: "مجموعه شاهکاراهای ادبیات فارسی" مقبولیت و معنی پیدا می‌کند و به‌صداق

بسم الله الرحمن الرحیم

پیامبر، حسین احمد

و گریده آتشمان علیلی بینه

به کوشش دکتر مهدی سیاک

جاب اول: ۱۴۳۶—جاب دوم: ۱۴۳۷—جاب سوم: ۱۴۳۸

جاب دوم: ۱۳۸۵—جاب سوم: ۱۳۸۶

حق چاپ مخفوف است

نشر: ۱۳۸۶، شیراز
آم دریا، و آرک تنوا کشیده
هم به‌قرار تشکیل یافت چشید
این نیاز، پرین احساس می‌شود که گر نسل حاضر به‌سزایی از موارث و
الا و استانی فرهنگ‌نوازان خود باسیاسی نمی‌توانند دست یابد، دست کم، نمونه‌ای -‌هرچند بسیار مختصر، از آن‌ها را. آگر علائمی باید، در دسترس، خود بید.
در مجموعه، مشاهکه‌ها از هر نویسنده و گوینده، قاری زبان، که مطالعه ارتش می‌سازد و سودمند به‌نظر‌آید، به‌نظر، آورد، هر کتاب مهم اعم از تأمل و ترکه در این دوره هزارالساله نوشته شده باشد بخشی یا کلی، مطرح گردید.
در هر جزوی از این مجموعه، شرح حال صاحب اثر با اختصار اما دقیق و سودمند افزای مازون مدلی، شیوه‌گزارش کتاب و گویای زبان و یک صاحب اثر، و کمک و انتخاب نوشته‌ها و به‌بیان مای، اید و در دیل هر صفحه، نقشه‌سازی‌ها و از ذهن کتاب و مچین، اشارات و کتاب، و تعبیرات، لیست و به‌بیان می‌باشد.
با عین‌طرف، امید است که مجموعه، گویای ادبیات فارسی برای همه طبیعت پساد و کتابخوان مملکتی، از شاگردان دیدارستان تا دانشجویان و دیگر جویانکه علائم، بی‌کاریکی بایی ان فرهنگ‌نوا، و آثار ارنست، ادبیه‌ستند سودمند و می‌آید، و نیز، به‌سازیدن اصل‌دارند و قلم‌بدانان معده‌ان قرون‌ها بزرگ‌ترند و در سکر استقلال فرهنگی، سیر به‌پیشانی بجوده، و راه آنان پیروی می‌کنند؛ انشاء‌الله.

عنصری را بجز ودیدگان، و نظرات و افعالات، و تحولات، و بابیان، چند متن‌نوی بوده
است نام‌«عين الیات و صاد بزرگ» و «عوام و عقاید» و گبیت و
بخنج بیت، اما این متن‌برای به‌حواره زمان از مبان رفت است. آن‌چه از قباید
واپن‌پر، و راکنده، مشترک‌های ویژه‌پای، ودایی‌پای، استاده، هزار و سیستم بیت است
که تکان‌دهنده، همکاری را بیان دوون و یک باواسی و تویژن و پرستوه، و لفاظ
آذین‌آوری و کم‌تصویب و چاپ و پذیرنده‌ام،
وقات عنصری را سال ۴۳۱ هجری قمریکه نوشته‌ان، وچون در زمان واقع، بکنن،
لیبیش به‌بیرون سالخوردن بوده است باسیاسی نمونه دوازده‌اوی نیمه، یا لفظ اول قرن، حالیه
۴۳۱ هجری قمریکه‌ان.
در این مختص دندشه‌ای استاد شما و یکی دو قصیده، به حذف بخش، میده
آن و چندربانی نقل نشده است، و لفظ و تعبیرات مشکل آن سرح و معنی، گردیده‌ان.
تایباد الیف

درمدح بنمی انتقال محمدرامبد غنی‌نوی

کنتما زه تاب تو دارم جنین ببای
کنتما کامکشک تاب ۳دارون فرائیت
کنتما که دودی دارا به نک خویش تاب
کنتما دما اوکری ازودی دماکشک تاب
کنتما خوش نیست مه ازغلابة عزف
کنتما دیده بن لاوین وکل رنگ ماهت
کنتما به قان و کل روی نواد رنگ
کنتما جری ویکان همه از رخ تو نور
کنتما که ارجحبا بایر رخت برون
کنتما مصیبت ۱۰ عشق تو و رنگ به صب
کنتما که چون باب کمان زعوف تو
کنتما دلم پژوژ و زده‌ی خون چکد
کنتما محبوب ۱۱ دراز می‌باشد خون
کنتما که سروی‌زد وارد ندازه و بخیره
کنتما که دیده خلاصه خسته و بخیره
کنتما بدان سبی می‌تا سر به چاب
کنتما که خواب بهتر با ناول زبان

۱- زنای، میخی، مشکین، چین، شکن معد. ۲- متای، داربی، شیشی، مینکی، زیبا، ۳- ناب، خالی، بی‌آمی، ۴- میخی، مادر. ۵- زنای، طاقت. ۶- منشی، طاق. ۷- توانایی، غفار، گرفته و زارتک. ۸- پیام، میخی، راه، پیامون. ۹- جبه، مامی بی‌پیدا، میخی مرهون. ۱۰- ماه، پر، شام، بدر. ۱۱- میخی، میخی رتقی، پیام. ۱۲- میخی، میخی، میخی. ۱۳- سحاب، بیب. ۱۴- زنای (ایلیف اول)، نابایزیت.
درهمخوانی محصولات ماهمندی

کلمه‌های ادبیات فارسی

کمک که ازدام به‌شان نو شراغ
کمک خریدار، چکوی؟ سوابست؟
کمک به یک دو دلک، آن سلب ملک
کمک ما به دو، دلک، آن مالک ارقبته
کمک مه مخلوط و سلطان نامیجو

کاره

درهمخوانی مطهری‌نژویی

کلمه‌های ادبیات فارسی

درم راجع به، یک فرکار هوا
زیرک و بیه، می‌دیزانتی از آنک
درخت اکثر علم ایرانیان، گیاه راست
باد، مینی‌های مرکز ایر و کبا
همی سدانو دو و همی دهی مینا
تخت کشت درازای عالم و پینتا
می‌تواند ایست و دیگر سیا
همینهم‌ایستا، زیرک و بیه، او
برهاش زیرک و بیه، او

درم را تخت خلوت عجم
است بیه، عجم، و هر خلوق با
می‌تواند دیوانی و رنگ
بی‌بی‌دینی، دیوانی و رنگ

کلمه‌های ادبیات فارسی

سوئید، لیس کردن، بست ملود
۱- ۲۲، کمان، شیفت، بست ملود
۳- نوش مراحل، و از سرته، مراحل دندان است
۴- نم، مطابق، ۵- توضیح، ستایش
۶- ترجمه، ۷- مسیر، ۸- زناد
۹- خداوندی، ۱۰- فیلر، ۱۱- زناد
۱۲- یازدی، ۱۳- یازدی
۱۴- می‌تواند، ۱۵- می‌تواند
۱۶- بی‌بی‌دینی، دیوانی و رنگ
۱۷- می‌تواند، ۱۸- می‌تواند
۱۹- بی‌بی‌دینی، دیوانی و رنگ
غنوستن‌ها بر ماه منورد
یکی را سنبل تورشته باشین
زمین‌کشیده؟ زن‌نخرست گویه
یکی را نگاهی بی‌نیکه مجر
دوچین آدرن هرودست یکی
یکی از ماه آدرن چشم یه یه
چوینیجوه والق و قنف بینه
یکی را لعبت کشمیون خواده
یکی ویوی اویتسک کونیه
یکی بی‌دود سال و ماه تیره
یکی بی‌بستر بندناد و لیس بستر
یکی زاویه علوی و پرینه
مزیا هور چوقیت آدم زکمیتی
یکی برمر جانان و فرد کرم
سپس‌الا مشرق که چمال
یکی از عقل دو دو و هم‌صور
که صارت به خاطره بدر

فرید بهمنی، فردی از سرتایی آرایشگاهی ناصر از مراکز خانواده‌ای مادرانه‌اند و مادر حمله به آنان در زندان، به دست احمدی، رئیس زندان. ناصر از مراکز خانواده‌ای مادرانه‌اند و مادر حمله به آنان در زندان. به دست احمدی، رئیس زندان. ناصر از مراکز خانواده‌ای مادرانه‌اند و مادر حمله به آنان در زندان.
شناخته‌ای، داده‌هایی فارسی

سیاست‌های اولیکس که محمدرضا را ناپذیر کرده‌اند، اما محمود بیشتر نسبت به نافاذی رسید.

کهکشانی شری اوقات کردن، دوباره نیز شکسته و با مصرف به جکسون، را در نزدیک آورده و برای آنها ناپذیر است.

وبت دوگانه بنا به رشد، یکی از ایزدیک به قدرت خود می‌خواهد، که نیز در بین باشندگان است.

در ۴۰۴ میلادی محمدرضا در دو قبلاً، نفته‌ای از عاده که بر ما می‌پردازد، به خود می‌دهد. کهکشانی ویژه‌ای که به سربرای کشته‌ها بود.

برای نهایت جنگ‌گرایان منتظر، او در دو قبلاً که خوش‌یاری خدایان، مسلمانان خود در نزدیکی کهکشانی به دست گرفته‌اند، به مردم معروف به شکست و و[Int..]
هرهای خروران

درمنه سلطان محمدرز غنی‌نی

ایا شنیده هرهاي خروران باخبر، دوغ زیور خبردان راست زیر عیان اکربلتنا گوئی خسته، علماً او از اینگه تلعت ابابه نفع است

با اکریت کریت دعا ابداع

وگر بهمته کپی فرود نمی‌آید

وگر سخان گوئی بر سخاوت فار

و گر دامیاق سالم جواوبدیره

همساً مثال بند تازه نشیمه

جهله‌ها بدل در کیمی زمین خوش

سیفتن آدنویورزد وکیرکرف

گر آن علی‌الله بر کا مدوشکت همی

بیک عطا سا هزار از کهروش‌گار داد

نیاه بدرک کمی‌ربی رنگ شده

اکر بوسی بار شاه، با بود به‌حال

همه‌ها یک دوده، ۱۲ که شاتک اشت کریت کودک کی درغور

۱- طلعت، دیدار

۲- خشمه، مبارک میمون، فرح

۳- ابتدای (بفتگول)، م metodانامه، کریمی ای اوالاونا

۴- عطر، باران

۵- نهاء کیمی و کیمی آویزان

۶- بهتر، خرورن و کوکه روز ویول

۷- به‌ستری (بفتگول) و دراهم رفحای

کیسی‌رب، ۱۸‌زیرنویس، پراکنده و فرح‌گردون، تنظیم‌مال کربنی‌کردنی آن بر

چمی برای ویکی‌ریز

۹- حضر، معاوضه سفراً و هزاران شیر بودن

۱۰- سیب، اجرای رفتاره، عش، عمو و ممکن بن زاگنه سا، می‌گرد است از شجاعت عرب هستند

۱۱- مالک اشرافیمی‌زاده، ۱۸ واردازانی، ایلیا، مساله است

۱۲- گوری‌زیده، ولایت

۱۳- کوستا، استمیان حرات، و زین‌دوز مرک آن، فیروزکوه بوده است
پیکره‌ی افتخار نصرتی
۱۷

شکیده پیکره پرچم برنج دوبیکر
توکتی که بیگتری سه‌متری

چه می‌کرد بسیاری او نه می‌رفت

را کلاش، خون سوی، او دیگری

شکایت، طبعاً به خواهانه، آرزوی نه

یکصد ساله که در خم شمشیر، زمین

یکصد ساله که بهار، آزاد دیوان‌ها

از بی‌پاها گوی عجب فرمانی

رهی که خادمیست، همه، راه‌های خاک

ارکش کر گذشت، بید تا گردان

نابینایش تو کنتم که کرمانشا

یکنیش از این شهربان دیوان‌ها

گرفت مکبیراً به‌پر، البته خاندان

چنان که خداوند، قدریان، زمین

حکمت سفر مولتان

۱۶. همی‌دای تلاح و بیش آور

به شاه‌بان، پر این، هریک گردش

تمد نادری خانم، من، نادری

بیچم خوشی بسی‌بید، کنار حیات

۴۱۳. دوبیکر، جو١. ۴۱۳. دوبریکر.

۳۷. مرگ و جان، کامپтон.

۳. میر، جای قرار

۲. چند ساله، شکست و پر کردن لشکر.

۲. قربانی، نامی و برپاس.

۱. قربانی، آبادی‌ها، خواندوی میان

آب و بذور و سرخ و روزهای ایمان،

۱۴. منطقه‌ای، از د زبان، نیست.

۱۳. آزادی، برک را، دیوان، می‌باشد.

۱۲. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۱۱. خرید، دیوان، آزادی، برک را.

۱۰. آنها، آزادی، برک را، دیوان.

۹. آزادی، برک را، دیوان، آزادی.

۸. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۷. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۶. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۵. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۴. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۳. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۲. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.

۱. منطقه، آزادی، برک را، دیوان.
لا يمكنني قراءة النص العربي من الصورة المقدمة.
جواهراتی هفت و بیست و دوم مهر

با چهارده گنجینه و چهار مهر / با واحدهای بزرگ در دل خوش

یک از بانوان برای گشایش از حسن

صالحیان خیام، که موج خون او در

در آن کرده و آن چهارباند انقلاب

زلزله‌ای دکتر گویان، یکی از کوبی

زهری‌کیه از ناپذیرنامه سخت کوبی

ورستوار نداری بخوان توپ‌تقویت

کشته شاه خراسان هم به ندرت خداه

بحث رهگیری دو و بیست کرک داد

نیست از این‌های کانون‌ها که در

آفرینه که خویشتن ویوشند

میان‌زاغ سیاه و میان‌زاغ سیاه

پیاز کاتم سیاهزاغ هر دو یارایت

جواب داده که مرغی جز بجابه هنر

خواند از آنیکه ماهیت‌های ملکی‌زمن

مرا نشست وقت و مرساد زراحت

زراحت یا زکا و برجست‌نوعی

میل کرده و بی‌پیرو سوییت و

بهبود آن سیو کوف سی خندق گرفت
مبارزه بی‌نتیجه و خیال بر
هم‌سرمان و شمشیرند و بیدار
بوق افکرن‌تان فجعی بی‌بزاس
زنفی بروز نیوایی یاد آمدنی چون
بدون ملک مشرق و سعادت از
فرؤی کشته‌ای آموز شیره در جان
فراغ دوخت و هم‌روز و فزارت‌الواه
همه زنی سنگ‌اندازند کاوای کشید
زنفی آموز دشمنان فزارت‌الواه
پرند بهره مناس ونگ شمشیر
بنگم‌بزار در باله شدید
بااب در بیدبیش فشادن از وطن
فرؤی چشمهای کوه بستگن کرد،
ازماسپ دیوان نامه‌نگار چون
فرؤی دارد نامزاد حسن‌خانه و
چیزی که درکنش در هنگامی‌انبار
فرؤی کشیدن آن آش با استاد
زا فراق چهار چهارستان ایرج
فرؤی دشت و بی‌بایان فروست‌الغر
همه شده به بی‌حرازی هزیمان

۱- منته، گذخته، ۲- سوم (فنجان اول)، ۳- دوم (فنجان اول)، ۴- باد، ۵- آهنگ (فنجان اول)، ۶- باز، ۷- سر (فنجان اول)، ۸- نر، ۹- گل (فنجان اول)، ۱۰- بازار، ۱۱- مسجد، ۱۲- جام (فنجان اول)، ۱۳- جامه (فنجان اول)، ۱۴- تبر (فنجان اول)، ۱۵- دسته (فنجان اول)، ۱۶- کریمی (فنجان اول)، ۱۷- باشی (فنجان اول)، ۱۸- هنر (فنجان اول)، ۱۹- اشاره (فنجان اول)، ۲۰- اعلان (فنجان اول)، ۲۱- پردا (فنجان اول)، ۲۲- جنگه (فنجان اول)، ۲۳- زنگ (فنجان اول)، ۲۴- خوزه (فنجان اول)، ۲۵- خاک (فنجان اول)، ۲۶- شامه (فنجان اول)، ۲۷- خیابان (فنجان اول)، ۲۸- خیابان (فنجان اول)، ۲۹- خیابان (فنجان اول)، ۳۰- خیابان (فنجان اول)، ۳۱- خیابان (فنجان اول)، ۳۲- خیابان (فنجان اول)
در اینجا چهارتاده‌ی از متن برگرفته شده‌اند. اولین قسمتی که به نظر می‌رسد از یک نظریه برگرفته‌ای است که در زبان فارسی نوشته شده‌است. در اینجا، یک مجموعه از موارد مختلفی را در نظر می‌گیرد که از مواردی مانند گرایش‌ها، تجربیات، هزینه‌ها و تاثیرات مختلفی در زمینه فرهنگ، اجتماع و تاریخ به سه قسمت تقسیم شده‌اند.

در جمله‌های بعدی، نوشته‌نامه‌ای در زبان فارسی نوشته شده که به برتری‌های و عقب‌نشینی‌های مختلفی از طریق تحقیق و بررسی برخوردار است. این نوشته‌نامه در جملاتی که شامل موارد مختلفی مانند گرایش‌ها، تجربیات و تاثیرات مختلفی در زمینه فرهنگ، اجتماع و تاریخ به سه قسمت تقسیم شده‌اند.

در آخرین جمله‌ها، نوشته‌نامه‌ای در زبان فارسی نوشته شده که به برتری‌های و عقب‌نشینی‌های مختلفی از طریق تحقیق و بررسی برخوردار است. این نوشته‌نامه در جملاتی که شامل موارد مختلفی مانند گرایش‌ها، تجربیات و تاثیرات مختلفی در زمینه فرهنگ، اجتماع و تاریخ به سه قسمت تقسیم شده‌اند.
رباعيات

ك عيب سرعان يطغى على كأسن
في جامع نمست خيانة است
عج كل طرق وشاحومي لونست
قدانتي سرو تيا بانيين است

حمد الدين علي نظامي عروضي سمرقند
دكاب بالرفقpluralب يابره

سيسيودون ابن بابا hạn اببار
جبا يابره بياتيك

محات حكايته كه سلطان
يمين الدولة محمود را يابره توك

وبهورودي آورداند كه سخت
نكنصورة يابره الحكم

منصفة عتيما خويه جوهره وآهن
و اداب مخالق یرسی اس عظيم

دست داده بود

آنس كه عيق رابع كن دوسي را برقر دارد
سلطان يمين الدو الله مري

دين هن و اتيب يابه بيا پاركست كرختي
لا شارع شنهاج

حر ين قففي ضعف نكرد

شي دربجي شراب

نويه: يابر تاب پکر سبتيت ناصوراء

ندوراله باب جان بنيچون جنابرد

ورهندی مصلى جان

عوامه خويه داري است مربرو وبشوق

درخود كيد

محاسب 7 آنما وصاقنا سرابه بيان شعر

آورد وراد برايلستان

يمين الدو الله ربياد و كفت: هان محدود

وات عقيق بارك ورود و جول يسر خوت

بوبك و وينتا دبيان سردورامان

تمعنال ياباني ود

11 نباشت، جمع نادرك، كم. نابي، 4. دشر، 3. دشر،
2. نباشت، انگینخت، 6. نابيان، 8. 3. 1. 3. 5. 7. 9. 10. 6. 11. 8. 9. 4. 5. 6. 7. 8.
12. نعبانو، رنج. 7. سبع، 1. سبع.
از این مجموعه منتصر شده است:

1. يوسف و زلیخا از نظر فارسی ترتیب گام
2. رسوم و مراسم از جامعه فرهنگی
3. برنامه جوزین از ترجمه تاریخ تبریز
4. سفارش ناصر خسرو
5. رسوم و استندارا از جامعه فرهنگی
6. چهار مقاله نظامی عروض
7. پرچم‌کشی از منوی ملی
8. متعالی از طنز از شیخ عطار
9. شیخ سنگان از شیخ عطار
10. حسن الویزی از تاریخ بهشت
11. نامه عزیز فارسی از سنای تا حافظ
12. برگزیده شعر شیرازی
13. برگزیده آثار نوجوانه دامغانی
14. برگزیده قویبالله
15. پیشتان سعدی (باب جهان)
16. متفق مرزبان تامه
17. حلال از نذرکادالله
18. برگزیده اشعار سعد سلیمان
19. متفق بهارستان جامی
20. يوسف و زلیخا از هفت اروند جامی
21. متفق المختلف شمس قپس رازی
22. دانستنی داوود و سلیمان
23. برگزیده قصیده ناصر خسرو قبادیلی
24. برگزیده جوامع الحکات
25. برگزیده سیاست‌نامه (سرامیل) از خواهان نظام الامک
26. برگزیده مکتب‌نامه از نظامی سرخپشت
27. برگزیده اشاره و توضیح از فرهنگی تاریخ
28. بازی و چند از تذکره‌اللیا
29. برگزیده کیمیای سعادت از محمد غزالی طوسی
30. وس و رامین (خلاصه داسان) از فرهنگی اسدکر
31. برگزیده اشعار وکیش بافقی
32. خسرو و شیرین (خلاصه داسان) از نظامی کنگور